

تشکیلات دموکراتیک زنان حزب توده ایران، ۱۳۳۲-۱۳۲۰: زمینه‌های شکل‌گیری، ساختار و عملکرد آن

الهه کولائی^{۱*}، فاطمه بیرانوند^۲

^۱ استاد، مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران

^۲ دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

فعالیت‌های سیاسی زنان در ایران از همان آغاز مشروطه با محرومیت از حق رأی در حاشیه قرار گرفت. شرایطی که پس از شهریور ۱۳۲۰ و در نتیجه خلأ دیکتاتوری پهلوی اول و بی‌تجربگی شاه جوان و مداخله قدرت‌های بزرگ پدید آمد، راه را برای حضور و پیدایش جریان‌های سازمانی جدید با رویکردهای متفاوت مذهبی، ملی و کمونیستی و سوسیالیستی باز کرد. یکی از این سازمان‌ها و جریان‌ها، «تشکیلات دموکراتیک زنان» وابسته به حزب توده بود که همراه و همسو با سازمان‌های دیگر به نام دفاع از حقوق زنان موجودیت یافت. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کیفی تحلیل اسناد تاریخی، به بررسی جایگاه و کارکرد تشکیلات یادشده می‌پردازد تا نقش این سازمان و فعالیت‌های زنان توده‌ای را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی توصیف، تفسیر و تبیین کند. دو پرسش پژوهش عبارت‌اند از: ۱. این سازمان چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟ ۲. در رسیدن به آنها تا چه اندازه موفق بود؟ در فرضیه پژوهشی بیان می‌شود که شکل‌گیری سازمان دموکراتیک زنان متأثر از تلاش حزب توده برای نفوذ در ساختار اجتماعی ایران و استفاده از ظرفیت‌های جامعه زنان در جهت تحقق اهداف سیاسی خود بود؛ از این‌رو، با پرداختن به مسائل سیاسی به‌جای مسائل و مشکلات عمومی زنان و به‌ویژه بی‌توجهی و مقابله با سنت‌های دینی و عرفی جامعه، از دستیابی به موفقیتی پایدار باز ماند. این پژوهش با روشن ساختن مشارکت سیاسی بخشی از جامعه زنان ایرانی در دوره ۱۳۳۲-۱۳۲۰، نشان می‌دهد که در پیش گرفتن خط فکری حزب توده توسط تشکیلات دموکراتیک زنان و در نتیجه برانگیختن مخالفت گروه‌های سنتی و مذهبی جامعه از یک سو و حاکم شدن دوباره اختناق سیاسی از سوی دیگر، این سازمان را در پیگیری هدف‌های خود ناکام ساخت.

واژه‌های کلیدی: ایران، جنبش چپ، حزب توده، زنان، سلسله پهلوی، فعالیت‌های سیاسی

* نویسنده مسئول، رایانامه: ekolae@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۳۱ شهریور ۱۳۹۹، تاریخ تصویب: ۱۰ بهمن ۱۴۰۱

۱. مقدمه

حضور زنان در جامعه نوین ایران به‌عنوان یکی از نیروهای مؤثر اجتماعی به دوره مشروطه بازمی‌گردد. هرچند با وجود حضور بخش‌هایی از جامعه زنان ایرانی در انقلاب مشروطه، سهم زنان در این انقلاب نادیده گرفته شد و مجلس شورای ملی در دومین دوره فعالیت خود زنان را از حقوق سیاسی محروم کرد، ولی در نتیجه این انقلاب بستری فراهم شد تا زنان با تکیه بر تجربه‌ها و آگاهی‌های به‌دست‌آمده و نیز استفاده از اندیشه‌های نخبگان ایرانی و حمایت آنان مطالبات گسترده‌تری را دنبال کنند. از این پس زنان متجدد با ایجاد انجمن‌های سیاسی و فکری، تأسیس مدارس و انتشار نشریه‌های مختلف در پی آگاهی بخشیدن به جامعه زنان ایرانی برآمدند. این روند تدریجی و رو به رشد زنان که کم‌وبیش از استقلال نسبی برخوردار بود، با روی کار آمدن رضاشاه دچار انحراف و با اجرای سیاست‌های او وارد مسیر جدیدی شد که ادامه حیات آن مستلزم پیروی از سیاست‌های حکومت خودکامه رضاشاه بود.

فعالیت‌های سیاسی زنان از همان آغاز مشروطه با محرومیت از حق رأی در حاشیه قرار گرفت. حکومت رضاشاه نیز با وجود دستاوردهایی که در زمینه‌های اجتماعی و حقوقی به پیروی از حقوق اجتماعی جامعه مدرن غربی برای زنان به‌همراه داشت، زنان را از حقوق سیاسی و پرداختن به فعالیت‌های سیاسی بازداشت. پیش از شکل‌گیری حزب توده، تنها حزب کمونیست ایران بود که در چارچوب ایدئولوژی خود به دفاع از حقوق سیاسی و اجتماعی زنان پرداخت. این حزب بنابر سرشت خود اقدام‌هایی را برای ترویج نگرش سوسیالیستی در میان فعالان حقوق زن و تشکل‌های آنها با ارائه طرح‌ها و برنامه‌هایی جهت دگرگون‌سازی شرایط زندگی زنان ایرانی انجام داد. این حزب توانست گروه‌هایی از زنان را با عناوینی مانند «پیک سعادت نسوان» و «جمعیت بیداری زنان»، به سمت فعالیت‌های موردنظر خویش پیش برد. این روند با پدیدار شدن اختناق رضاشاهی و سرکوب حزب کمونیست دچار وقفه شد. بار دیگر پس از شهریور ۱۳۲۰ و در فضای سیاسی و اجتماعی ناشی از رخداد‌های مربوط به اشغال ایران و سقوط دیکتاتوری رضاشاه با تأسیس حزب توده و تشکیلات زنان وابسته به آن از سر گرفته شد. در این پژوهش سازمان، فعالیت‌ها و اهداف تشکیلات دموکراتیک زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و موفقیت آن در رسیدن به هدف‌های موردنظر، در ۱۳۳۲ (از زمان شکل‌گیری تشکیلات زنان تا کودتای ۲۸ مرداد) بررسی خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد جریان‌های چپ و حزب توده کتاب‌های بسیاری منتشر شده است که برخی از آنان اطلاعات مختصر و مفیدی در مورد زنان چپ‌گرا ارائه می‌دهند. از این کتاب‌ها، نخست باید

ایران بین دو انقلاب آبراهامیان (۱۳۷۷) را نام برد که نویسنده در آن به بررسی جامعه‌شناختی و تحلیل پایگاه اجتماعی و قومی-طبقه‌ای حزب توده پرداخته است. کتاب‌های خاطرات اعضای حزب توده مانند کثراهه احسان طبری (۱۳۶۷)، خاطرات کیانوری (۱۳۷۱)، ایرج اسکندری (۱۳۷۲)، انور خامه‌ای (۱۳۷۲)، فریدون کشاورز (۱۳۸۰) و بزرگ علوی (احمدی، ۱۳۷۷) از این جمله‌اند. پژوهشگرانی چون مازیار بهروز (۱۳۸۰) در *شورشیان آرمانخواه؛ ناکامی چپ در ایران*، بابک امیرخسروی (۱۳۷۵) در *نظر از درون به نقش حزب توده ایران*، و همچنین محمود طلوعی (۱۳۷۰) در *پیوستن و گسستن به تبیین نقش حزب توده در سال‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی* پرداخته‌اند. همچنین باید به کتاب *حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی* به کوشش جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۷)، الهه کولایی (۱۳۸۷) *استالین‌گرایی و حزب توده ایران* (۱۳۸۷) و نیز بابک امیرخسروی (۱۳۸۱) *مهاجرت سوسیالیستی و سرنوشت ایرانیان* اشاره کرد.

در سال‌های اخیر کارهای پژوهشی دیگری در مورد جنبش زنان و نشریه‌های آنان انجام گرفته است. این آثار هرچند به صورت مستقل به موضوع پژوهش حاضر نپرداخته‌اند، ولی اطلاعات ارزشمندی در مورد زنان چپ‌گرا در بردارند، مانند آفاری (۱۳۷۷) در *انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطیت*، زاهد و خواجه‌نوری (۱۳۸۴) در *جنبش زنان در ایران*، وطن‌دوست (۱۳۸۵) در «زن ایرانی در نشریات مشروطه»، ساناساریان (۱۳۸۴) در *جنبش حقوق زنان در ایران*، اردلان و احمدی خراسانی (۱۳۸۲) در *سناتور یا فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران*، و پایدار در *زنان و جریان‌های سیاسی قرن بیستم در ایران* (Paidar, 1995). این کتاب‌ها به بررسی وضعیت زنان در قالب سه گفتمان سنتی، نوسازی و انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. در این میان، کتاب *خاطرات زنان توده‌ای* مانند *خاطرات مریم فیروز* (۱۳۷۳)، ابراهیم‌زاده (۱۳۸۱) *خاطرات یک زن توده‌ای*، احمدی (۱۳۸۳)، ما هم در این خانه حقی داریم، *خاطرات نجمی علوی* اهمیت ویژه‌ای دارند. افزون بر اینها، کتاب *بهنود* (۱۳۷۴) به نام *این سه زن در قالب یک روایت تاریخی* به شرح زندگانی اشرف پهلوی، مریم فیروز ملقب به شاهزاده سرخ و ایران تیمورتاش می‌پردازد.

۳. ضرورت پژوهش

دگرگونی‌های سیاسی-اجتماعی ایران از دوره پسامشروطه اگرچه در کارآمدی بیشتر زنان و حضور آنها در عرصه‌های اجتماعی اثرگذار بود، تا دیرزمانی زمینه‌های لازم برای حضور آشکار آنها به‌ویژه در عرصه‌های سیاسی فراهم نشد. تحولات عصر پهلوی به‌ویژه در دهه ۲۰

زمینه‌های حضور آنان را هموارتر کرد و بر فعالیت‌های حزبی و تشکیلاتی زنان مؤثر بود. نسبت میان عملکرد زنان و فعالیت‌های حزبی آنها در پرتو کارکرد جریان‌های چپ نیز از همین دیدگاه اهمیت دارد. با این حال، با توجه به ماهیت تاریخ‌نگاری رسمی تبیین جایگاه و کارکرد زنان چندان مورد توجه نبوده است. از این رو، پرداختن به فعالیت‌های زنان توده‌ای ایران، گامی در جهت شناخت تکاپوهای سیاسی و اجتماعی آنها و تحول در تاریخ‌نگاری با رویکردی فرهنگی-اجتماعی است که در مطالب زیر پشتوانه نظری آن بررسی می‌شود.

۴. مبانی نظری

در مورد جایگاه و نقش زن در تفکر مارکس، آنچه محور مبارزه قرار می‌گیرد، ستم طبقاتی است و ستم جنسیتی یا به عبارت بهتر تبعیض جنسیتی موضوعی فرعی است که با حل مشکل استثمار طبقاتی به خودی خود رفع می‌شود. در اصل پیش‌فرض نگرش نخستین مارکسیستی رفع تبعیض طبقاتی است که به‌طور طبیعی دربرگیرنده مردان هم می‌شود. در اندیشه‌های آغازین مارکس، مرد سازنده تاریخ است، و زن نشانه‌های منفعل را تشکیل می‌دهد. مفاهیمی که مارکس به کار می‌گیرد، به ظاهر خنثی، ولی در واقع کور جنس است؛ او ستم ویژه‌ای را که زنان در جوامع سرمایه‌داری در معرض آن قرار دارند، تشخیص نمی‌دهد و تفاوت‌های جنسیتی و ایدئولوژی‌های جنسیتی را تجزیه و تحلیل نمی‌کند (ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۲۴۹-۲۴۸). همچنان‌که در مانیفست کمونیستی آمده، استثمار کارگران زن و کودک در صنایع رو به رشد محکوم شده است، چراکه در استثمار طبقه کارگر، تفاوت سن و جنس مطرح نیست (مارکس و انگلس، ۱۳۸۵: ۳۲). از این رو، به نظر می‌رسد هنگامی که مسئله تغییر جامعه مطرح می‌شود، حقوق و منافع زنان در پرتو منافع طبقه حفظ می‌شود.

در دو کتاب مهم تلاش شد توجه ناکافی مارکس در مورد فرودستی زنان و چگونگی غلبه بر آن جبران شود: *زن و سوسیالیسم* اثر آگوست بیل، رهبر سوسیال‌دموکرات‌های آلمان در ۱۸۷۸ و به دنبال آن *منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت* نوشته فردریش انگلس، که در ۱۸۸۴ انتشار یافتند. بیل در کتاب خود به بازنگری جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی-اقتصادی زنان پرداخته و خواستار آزادی زن مانند مرد است. از نظر او هدف توسعه اجتماعی، آزادی کامل زن و برابری او با مرد است و این میسر نمی‌شود مگر با یک تغییر اجتماعی که حکومت مرد را بر زن و همچنین حکومت سرمایه‌داران بر کارگران را منسوخ کند. تنها بدین‌سان بشر به اوج پیشرفت دست می‌یابد. این همان عصر طلایی پایان حکومت طبقه و همراه با آن حکومت مرد بر زن است که انسان هزاران سال در آرزوی آن بوده است (Bebel, 1904: 349). انگلس نیز در کتاب خود به بررسی چگونگی شکل‌گیری اشکال مختلف خانواده

و در واقع تکامل شکل کنونی خانواده در دوره‌های مختلف تاریخی می‌پردازد. وی معتقد است نخستین ستم طبقاتی همراه با ستم جنس مذکر بر مؤنث است که به شکل یکتاهم‌سری ظاهر شده است و در واقع انقیاد زن از سوی مرد است (انگلس، ۱۳۵۷: ۹۶). او می‌گوید تنها با لغو امتیازهای قانونی خاص طبقه سرمایه‌دار تساوی حقوقی کامل هر دو طبقه برقرار شود و به همین ترتیب تساوی حقوق زن و مرد برای ایجاد تساوی اجتماعی و رفع تسلط مرد بر زن الزامی است (انگلس، ۱۳۵۷: ۳۹). پس از آگوست بیل و انگلس، دیگر رهبران مارکسیست مانند رزا لوکزامبورگ، کلارا زتکین و لنین هر کدام به‌نوعی به دفاع از تساوی حقوق زنان و مردان برآمدند که به شکل‌گیری مکاتب فمینیسم مارکسیستی و فمینیسم سوسیالیستی انجامید.

به‌طور کلی مارکسیست‌ها موقعیت فروتر زنان در جوامع بشری را به فرایند تاریخی شکل‌گیری استثمار و روابط استثماری نسبت می‌دهند، به‌ویژه شکل‌گیری خانواده تک‌همسری و مالکیت خصوصی را علت اصلی پیدایش مردسالاری و استثمار در خانواده به‌وسیله مردان می‌دانند و آن را اساس دیگر نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی در میان مردان و زنان معرفی می‌کنند. شایان یادآوری است که مارکس و انگلس از آنجا که سیاست و قدرت سیاسی را وابسته به زیربنای اقتصادی می‌دانستند، به‌طور طبیعی دلیل نبود مشارکت سیاسی زن را وابستگی اقتصادی او و نیز سرکوب و استثمارش در خانواده و جامعه برآورد می‌کردند. هرچند آنان به موضوع مشارکت سیاسی زنان توجه چندانی نداشتند، ولی لنین بر این موضوع تأکید کرد که زنان باید همدوش مردان در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته باشند. او ضمن گسترش آموزش‌های مارکس و انگلس، درصدد تحقق آزادی و برابری زن و مرد برآمد. لنین نیز مانند پیشینیان خود معتقد بود مهم‌ترین گام برای آزادی زن، لغو مالکیت خصوصی و نابودی طبقات استثمارگر است و تنها بدین ترتیب است که راه وی برای رهایی از «بردگی خانگی» و تبدیل «اقتصاد کوچک خانگی» به «اقتصاد بزرگ سوسیالیستی» هموار می‌شود (محمدی، بی‌تا: ۳۸). به این ترتیب مارکسیسم تحلیلی ماده‌گرایانه و چشم‌اندازی علمی برای آزادی زنان عرضه کرد که این وظیفه بر عهده حکومت‌ها و احزاب مارکسیست در سراسر جهان، از جمله حزب توده ایران و تشکیلات دموکراتیک زنان وابسته به آن قرار گرفت.

۵. بسترهای سیاسی - اجتماعی

بررسی تغییرهای جایگاه فردی و اجتماعی زن ایرانی در بستر تحولات تاریخی ایران، از جمله مباحثی است که در دوران معاصر اهمیتی ویژه یافته است. آغاز بیداری زنان ایران را می‌توان با جنبش تنباکو همزمان دانست (Bayat-Philipp, 1978: 297-298). نشانه‌های این بیداری نخست در این جنبش و سپس در انقلاب مشروطیت، که زنان در آن حضوری محدود، ولی

چشمگیر داشتند، پدیدار شد. اگرچه سهم زنان در نهادهای نوپای انقلاب مشروطه و در عرصه سیاسی کشور اندک بود و در سال‌های پس از انقلاب نیز در وضعیت اجتماعی و مدنی آنان تغییری آشکار ایجاد نشد، با وجود این، انقلاب مشروطه شرایطی را فراهم آورد تا بسیاری از نیروهای اجتماعی که تا آن زمان در حاشیه قرار داشتند، برای بیان مطالبات خود به صحنه بیایند. خیزش و جنبش زنان در ایران در ابتدا بخشی از یک جنبش بزرگ ملی و هدفش استقلال ایران و اجرای قانون اساسی بود. از این رهگذر آنان به فعالیت‌های سیاسی، فکری و فرهنگی روی آوردند. بروز چندین عامل سبب گرایش زنان به جریان‌های فکری و سیاسی، از جمله جنبش نوپدید چپ در ایران شد. با پیروزی انقلاب کمونیستی روسیه در ۱۹۱۷ و حاکم شدن ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و کمونیستی در این کشور، ایران به‌عنوان همسایه جنوبی که از نظر داخلی دچار مشکلات بسیار و در نتیجه وجود بسترهای مناسب جهت پذیرش و همراهی با این افکار و جریان‌ها بود، از نفوذ انگاره‌های فرهنگی این انقلاب در امان نماند. در گفتار سوسیالیستی به‌عنوان یکی از شاخه‌های گفتار جدید و به‌منزله اندیشه‌ای که خواستار طراحی و تحقق دگرگونی‌های بنیادی اجتماعی است، زنان به‌عنوان یکی از قربانیان نظام سلطه طبقاتی مطرح بودند. پس از پایان جنگ جهانی اول که شرایط جهانی و داخلی کشور در برابر فعالیت زنان انعطاف بیشتری یافت، شمار نخبگان و تحصیل‌کردگان که از حقوق زن حمایت می‌کردند، افزایش یافت. زنان فعال که بیشتر از اقشار مرفه و شهرنشین جامعه بودند، از همفکری این نوگرایان بهره گرفتند و به‌گونه‌ای خودآگاهی از مقام و جایگاه فردی و اجتماعی خود رسیدند.

در واقع نمی‌توان ارتباط جنبش زنان ایران را در این دوره با احزاب و فعالان سیاسی و روشنفکران نادیده گرفت؛ از آن جمله می‌توان به ارتباط آن با حزب کمونیست ایران اشاره کرد. پیشینه تشکیل این حزب به شکل‌گیری حزب سوسیال‌دموکرات آذربایجان (همت) در ۱۲۸۳ در میان کارگران ایرانی شاغل در باکو باز می‌گردد (کولایی، ۱۳۸۷: ۶۸-۶۷). با گسترش تبلیغات کمونیست‌ها در شاخه زنان و در پی دومین کنگره این حزب در ۱۳۰۶ خواسته‌های اقتصادی زنان مانند بازداشتن از کار شبانه برای زنان و اطفال و مرخصی همراه با حقوق برای زنان باردار، مطرح و تصویب شد (شصت و پنجمین سالگرد تشکیلات، ۱۳۸۶: ۱). بدین ترتیب گروه‌های چپ‌گرا از همان آغاز در پی دفاع از حقوق زنان برآمدند.

فعالیت زنان چپ‌گرا در جنبش زنان ایران نیز با تشکیل نخستین جمعیت زنان در ایران آغاز شد. این زنان که به حزب سوسیال‌دموکرات ایران وابسته بودند، فعالیت خویش را با ایجاد «جمعیت نسوان وطن‌خواه» شروع کردند. این تشکل در ۱۳۴۲ به

سرپرستی محترم اسکندری در تهران تشکیل شد و از سوی زنانی روشنفکر هدایت و سازماندهی می‌شد که بیشتر اندیشه‌های چپ داشتند. پدر محترم اسکندری از مشروطه‌خواهانی بود که انجمن آدمیت را تأسیس کرده بود (بامداد، ۱۳۴۷: ۴۸-۴۷). این خود را به حزب سوسیالیسم پیوند زده بود و فعال‌ترین سازمان زنان ایران بود (Paidar, 1995: 96). جمعیت نسوان وطن‌خواه چندی بعد نام خود را به بیداری زنان تغییر داد (وطن‌دوست، ۱۳۸۵: ۱۸) و فعالیت خود را تا ۱۳۱۱ ادامه داد. دومین مجمع چپ‌گرای این دوران که آرمان کمونیستی داشت و آن را به‌طور آشکار ابراز می‌کرد، «جمعیت پیک سعادت نسوان» بود. این تشکل را زنانی با اندیشه و گرایش‌های چپ سوسیالیستی و کمونیستی در ۱۳۰۶ در رشت ایجاد کرده بودند (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۰۵). تشکیل این انجمن متأثر از افکار کمونیستی در ایران، به‌ویژه تشکیل نخستین کنگره این حزب بود. این جمعیت نشریه‌ای نیز با همین نام منتشر می‌ساخت که نخستین نشریه کمونیستی در ایران بود. این نشریه با کمک جامعه فرهنگی ایرانیان طرفدار شوروی در رشت منتشر می‌شد (Paidar, 1995: 98).

سرانجام رضاشاه این تشکل را نیز منحل کرد. به این ترتیب، فعالیت‌های زنان چپ‌گرا که در درون انقلاب مشروطه آغاز شده بود، با تثبیت استبداد رضاشاه، به‌همراه دیگر جمعیت‌ها و انجمن‌های فعال که گرایش چپ داشتند، به‌طور موقت دچار وقفه شد تا بار دیگر با رخ دادن جنگ جهانی دوم و خروج رضاشاه از کشور، مجال بروز و خودنمایی یافته و در قالب حزب توده و یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های زنان یعنی «تشکیلات دموکراتیک زنان حزب توده ایران» نمود بیشتری یافت. این تشکل توانست خود را در قالب یک سازمان پرقدرت در حوزه زنان معرفی کند و در تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران به‌ویژه در دهه بیست تا اوایل دهه سی نقش داشته باشد.

هرچند اشغال ایران از سوی متفقین با پیامدهای ناگوار و منفی اقتصادی برای ملت ایران همراه بود، در عوض از بعد سیاسی تأثیر مثبتی برجای نهاد. با رها شدن نیروهای اجتماعی که زیر فشار خودکامگی رضاشاهی بودند، فضای باز سیاسی برای گروه‌های تازه فراهم آمد که در یک رشته مبارزه‌های سیاسی درگیر شدند و زمینه برای جنبش‌های اجتماعی فراهم شد (فوران، ۱۳۷۷: ۳۹۹). از این زمان بود که دومین دوره حیات احزاب و تشکل‌های سیاسی، پس از رکود حدود بیست‌ساله سیاسی و حزبی زمان رضاشاه، آغاز شد. منشأ همه آنها را می‌توان در دامنه گسترده اندیشه‌های سیاسی و حزبی عصر مشروطه یا نخستین دوره شکل‌گیری تحزب در ایران جست‌وجو کرد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۵: ۴۵).

در این میان زنان از گروه‌های فعالی بودند که برای احقاق حقوق سیاسی و اجتماعی خویش به تکاپو پرداختند. آنچه زنان را به‌عنوان یکی از نیروهای اجتماعی فعال و مؤثر این دوره به تلاش و مبارزه واداشت، مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی، مانند کار، رواج فحشا، بروز برخی موانع بر سر راه آموزش دختران و بسته شدن بسیاری از مدارس دخترانه در شهرهای کوچک (Sedghi, 2007: 91) و نیز محرومیت از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بود که جامعه زنان را در بر گرفته بود و آنان را به‌سوی ایجاد سازمان‌ها و تشکل‌های گوناگون با هدف غلبه بر این مشکلات پیش برد.

۶. پدید آمدن و شکل‌گیری تشکیلات زنان حزب توده

پس از شهریور ۱۳۲۰ زنان افزون‌بر انجام فعالیت‌های مستقل، به‌ویژه با احزاب سیاسی پیوندهای نزدیکی یافتند و کوشیدند با حمایت آنها به پیگیری اهداف خود بپردازند. تأسیس مؤسسه‌های آموزشی جدید در سطوح متوسطه و عالی در جامعه ایران، خواه‌ناخواه به تغییر موقعیت، جایگاه و آگاهی‌های اجتماعی زنان در جامعه ایران، خواه‌ناخواه به تغییرها، بخش کوچکی از جامعه زنان که بیشتر از طبقات بالای جامعه بودند، شروع به فعالیت در میان زنان کردند و سازمان‌هایی را تشکیل دادند. آن عده از زنانی که متأثر از فضای بسیار سیاسی حاکم بودند و اندیشه‌های رادیکال و انقلابی داشتند، به‌سوی احزاب نوپدید این دوره، از جمله حزب توده که آمادگی بیشتری برای جذب زنان و سازماندهی آنان داشت، کشانده شدند. شماری از زنان متمایل به حزب توده و تشکیلات آن، پس از آنکه از عضویت در حزب توده به‌دلیل مخالفت‌های سلیمان‌میرزا اسکندری و شرایط اجتماعی موجود ناامید شدند، فعالیت‌های خود را در حاشیه حزب آغاز کردند و در پی ایجاد سازمانی برای ساماندهی فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی خود برآمدند. مریم فیروز رهبر «تشکیلات دموکراتیک زنان ایران» و عضو کمیته مرکزی حزب توده در مورد پیشینه این سازمان می‌گوید:

«این تشکیلات در ۱۳۲۲ از سوی عده‌ای از زنان وابسته به حزب توده و یا از هواداران آن تشکیل شد. آنها عده‌ای معدود بودند که عبارت بودند از: عالیه شرمینی، خانم علوی، خانم نجمی علوی، اعظم صارمی، زهرا اسکندری و بعد هم که من توسط بزرگ علوی به این گروه پیوستم. هدف ما از ایجاد این سازمان متشکل کردن زنان برای فعالیت‌های سیاسی و به‌خصوص برای مبارزه جهت به دست آوردن حقوق سیاسی، اجتماعی و خانوادگی بود و بیش از همه حقوق خانوادگی و اجتماعی برای ما هدف اصلی بود» (حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی، ۱۳۸۷: ۷۵۸-۷۵۷).

وی در جای دیگری می‌نویسد: «در آغاز ۱۳۲۲ برای سازمان نوین‌یاد، پس از گفت‌وگوهای فراوان، نامی بسیار ساده انتخاب شد، «تشکیلات زنان ایران» و شعار «ما هم در این خانه حقی

داریم» را برای سازمان خود انتخاب کردند. با این شعار خواسته شده بود که زنان هم جزو صاحب‌خانه باشند و با مردان در این خانه، هم در کار و هم در بهره‌برداری از آن شریک و برابر باشند» (فیروز، ۱۳۶۰: ۳۱-۳۰). به این ترتیب تشکیلات زنان کار خود را با تنظیم اساسنامه یازده‌ماده‌ای آغاز کرد: مبارزه برای به‌دست آوردن حقوق اجتماعی و سیاسی زنان، توسعه فرهنگی، متشکل کردن زنان، مبارزه علیه فحشا و فساد، مبارزه علیه استثمار زنان و دختران خردسال در کارخانه‌ها، تأسیس کودکانستان‌های رایگان، کارگاه برای دختران بی‌بضاعت، کتابخانه زنان و تأسیس روزنامه و مجله *نسوان* (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۳: ۶-۴؛ بیران، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۰۳). مطالبات جنسیتی و نوشته‌های این سازمان تأثیر چشمگیری بر دیگر سازمان‌های زنان داشت (Hoodfar, 1999: 18).

۶. ۱. تشکیلات دموکراتیک زنان حزب توده از آغاز تا بهمن ۱۳۲۷

نزدیکی افکار مؤسسان تشکیلات زنان با بنیانگذاران حزب توده و پیوندهای خانوادگی و اجتماعی آنان با یکدیگر، سبب شد پس از تأسیس چنین تشکیلاتی نخستین درخواست آنان تقاضای عضویت در حزب توده ایران باشد. این درخواست مدتی به‌دلیل مخالفت‌های سلیمان میرزا اسکندری بی‌پاسخ ماند. تنها پس از مرگ وی بود که زنان توانستند عضو حزب شوند. هرچند پیش از آن، حزب به آنان وعده داده بود که تقاضای عضویت بنویسند و از همان تاریخ تقاضای عضویت، عضو حزب به‌شمار می‌آیند، اگرچه این امر در کنگره اول حزب مورد مخالفت قرار گرفت و پیشینه عضویت زنان را از تاریخ پس از مرگ سلیمان میرزا محاسبه کردند (کیانوری، ۱۳۷۲: ۸۰).

همان‌گونه‌که اشاره شد نخستین کنگره حزب توده در ۱۳۲۳ در حالی برگزار شد که هیچ‌یک از اعضای تشکیلات زنان در آن حضور نداشتند. حرکت نمادین تشکیلات زنان که نمایندگان را برای گفتن تبریک راهی کنگره کرده بود و نوعی اعتراض ضمنی به عملکرد حزب توده بود، سبب شد که این تشکیلات به‌طور ضمنی در همین کنگره به عضویت حزب پذیرفته شود و مریم فیروز دبیر این سازمان که در تدارک کنگره نقش بسزایی داشت (بهنود، ۱۳۷۴: ۳۵۲)، به‌عنوان عضو هیأت مشاوره حزب برگزیده شد. از دیگر اقدام‌های برجسته تشکیلات زنان در این دوره از فعالیت‌های خود، انتشار مجله *بیداری ما*، تأسیس کلاس‌های سوادآموزی، تشکیل کنفرانس‌های هفتگی و ایراد سخنرانی و برگزاری روز هشتم مارس به‌عنوان روز بین‌المللی زن و افتتاح شعبه‌های تشکیلات زنان در برخی از شهرهای ایران و نیز برقراری ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی بود (ا.ک، بی‌تا: ۲۶)، که البته در این راه با موانع بسیاری روبه‌رو بودند. برای نمونه در ماه‌های پایانی ۱۳۲۴ تشکیلات زنان در پی آن بود نمایندگان

خود را شامل مریم فیروز، زهرا اسکندری و شاه‌زنان وزیری به کنگره بین‌المللی زنان در پاریس بفرستد که با کارشکنی دولت موفق به انجام این کار نشد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۲۴). این ماجرا مخالفت حزب توده با کابینه حکیمی را در پی داشت (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۴۵۹).

از رخدادهای مهم این دوره از تاریخ معاصر ایران و به‌ویژه مبارزه‌های جنبش‌های چپ که به‌نوعی بر زندگی زنان توده‌ای و تشکیلات آنها تأثیر گذاشت، تشکیل حکومت خودمختار آذربایجان به رهبری سید جواد پیشه‌وری بود. تشکیل این حکومت فعالیت‌های تشکیلاتی زنان توده‌ای را وارد مرحله جدیدی کرد. در آغاز ۱۳۲۵ تشکیلاتی که با ادعای استقلال از حزب توده و تنها برای احقاق حقوق زنان کار خود را شروع کرده بود، به یکی از بازوهای فعال حزب تبدیل شد که همگام با «نامه رهبر» نشریه مرکزی حزب توده و «ایران ما» دیگر روزنامه تندرو توده‌ای به دفاع از درخواست شوروی در واگذاری امتیاز نفت شمال و مخالفت با لایحه نفت دکتر مصدق در مجلس چهاردهم مبنی بر پیگیری سیاست موازنه منفی و دفاع سرسختانه از جنبش پیشه‌وری رئیس حکومت خودمختار آذربایجان که اصلاحات گسترده‌اش زنان را نیز در بر گرفته بود، پرداخت. اگرچه با شکست سیاست‌های حزب توده و انشعاب آن در پایان سال، تشکیلات زنان نیز در عمل به‌عنوان عضوی سازمانی از بدنه اصلی حزب به‌صورت گروهی زیرزمینی درآمد و ارگان آن *بیداری ما* نیز برای مدتی طولانی توقیف شد.

با وجود فشارهای سیاسی و ناکامی‌های ناشی از آن، تشکیلات زنان در نتیجه فعالیت‌های نیمه‌پنهان خود در مهر ۱۳۲۶ به عضویت فدراسیون بین‌المللی زنان درآمد (بیداری ما، تیر ۱۳۲۷: ۱۲) و از این پس به «تشکیلات دموکراتیک زنان» تغییر نام داد و شش ماه بعد با انتشار دوباره *بیداری ما* فعالیت‌های خود را از سر گرفت و در حرکتی بلندپروازانه به طرح موضوع‌هایی چون ممنوعیت ازدواج موقت، تأمین حق زن نسبت به دارایی که با ازدواج در خانواده ایجاد شده است، شناختن حق مداخله در امور فرزندان به همان درجه که برای پدر شناخته شده است و لغو تعدد زوجات پرداخت (بیداری ما، تیر ۱۳۲۷: ۱۱-۳). «تشکیلات دموکراتیک زنان» پس از حادثه ترور محمدرضا پهلوی در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ به‌همراه حزب توده و سایر سازمان‌های وابسته به آن غیرقانونی اعلام شد و به‌ناچار به فعالیت‌های زیرزمینی روی آورد. مریم فیروز رهبر این تشکیلات به‌صورت غیابی محاکمه و به حبس ابد محکوم شد (فیروز، ۱۳۷۳: ۷۵). از این رو، تشکیلات زنان به‌ناچار به فعالیت‌های زیرزمینی روی آورد.

۶.۲. تشکیلات دموکراتیک زنان حزب توده از بهمن ۱۳۲۷ تا کودتای ۱۳۳۲

فعالیت زنان در این دوره شایان توجه است. کار ارتباط با خانواده‌های مخفی‌شدگان یا کسانی که از کشور خارج یا زندانی شده بودند، از مهم‌ترین فعالیت‌های تشکیلات دموکراتیک زنان بود. کمیته مرکزی سازمان افسری که نمی‌توانست زنان افسران عضو حزب را از نظر پنهان‌کاری، در حوزه‌های حزبی شرکت دهد، آنان را در حوزه‌های کوچکی متشکل کرده و رهبری آن را به دست مسئولانی از تشکیلات زنان سپرده بود (اسناد و دیدگاه‌ها، ۱۳۶۰: ۲۸۱-۲۸۰). تظاهراتی که پس از بهمن ۱۳۲۷ در میدان بهارستان و به همت تشکیلات زنان برگزار شد، نخستین اقدامی بود که پس از بهمن ۱۳۲۷ سکوت تهران را شکست و با موفقیت انجام گرفت. توضیح آنکه زندانیان سیاسی را بدون اطلاع خانواده‌هایشان به‌جای نامعلومی برده بودند که در نتیجه این اقدام زنان، رژیم مجبور به بازگرداندن آنها به تهران شد (فیروز، ۱۳۶۰: ۵۸).

دوران کار مخفی تشکیلات زنان چندان طول نکشید. زنان مسئول پس از سروسامان دادن به سازمان داخلی خود، به‌ویژه پس از نخست‌وزیری رزم‌آرا در تیر ۱۳۲۹ که خواستار ایجاد روابط بهتر با شوروی بود، بار دیگر به فعالیت‌های مطبوعاتی از جمله انتشار *جهان تابان* به‌صورت آشکار و همکاری با سازمان‌های مختلف از جمله «جمعیت هواداران صلح» و «شورای مادران» در رابطه با امور زنان پرداخت. هرچند تشکیلات زنان پس از بهمن ۱۳۲۷، با توجه به شرایط و به فراخور امکانات و توانایی‌های خود، گام‌هایی گاه مخفیانه و گاه آشکار برمی‌داشت، ولی نارسایی‌های موجود، اعضای بازمانده تشکیلات دموکراتیک زنان را بر آن داشت تا سازمانی علنی به نام «سازمان زنان ایران» را در ۱۳۳۰ به‌وجود آورند. رهبری این سازمان بر عهده هما هوشمندراد از اعضای سابقه تشکیلات دموکراتیک زنان بود و نشریه *جهان زنان* به‌عنوان ارگان رسمی آن معرفی شد. این سازمان شعبه‌هایی را در شهرستان‌ها دایر کرد و توانست با زنان عضو فرقه دموکرات آذربایجان ارتباط نزدیک و خوبی برقرار کند (فیروز، ۱۳۶۰: ۷۵).

اعضای اصلی سازمان زنان اگرچه بیشتر همان چهره‌های قدیمی حزب توده و تشکیلات زنان بودند، ولی درحالی‌که کمیته مرکزی تشکیلات زنان را خویشاوندان رهبران برجسته حزب توده شکل داده بودند، هیأت مدیره سازمان زنان از افراد نه‌چندان مشهور گروه قدیمی تشکیل شده بود. سازمان زنان که سازمان آشکار و پوششی تشکیلات دموکراتیک زنان به‌شمار می‌آمد، در دوران مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت (تیر ۱۳۳۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) و در تظاهراتی که بدین‌منظور برپا می‌شد، شرکت داشتند. وقتی دکتر مصدق در کار تدارک طرح جدید قانون انتخابات برآمد، زنان برای به‌دست آوردن حق شرکت در انتخابات با جدیت به فعالیت پرداختند. آنها در این زمینه اقدام به برگزاری نخستین کنفرانس عمومی زنان کردند که

در آن به بحث و نظر در مورد حق رأی زنان پرداختند و در پایان هیأتی از اعضای سازمان برای مراجعه به کمیسیون تجدیدنظر در قانون انتخابات برگزیده شد (جهان‌زنان، مرداد ۱۳۳۱: ۲). برگه‌هایی که سازمان زنان برای امضا در دسترس عموم قرار داده بود، کم‌وبیش به شکل همه‌پرسی بود که از مردم خواسته بود تا نظر خود را با امضای برگه‌ها در مورد شرکت زنان در انتخابات ابراز کنند. سرانجام با وجود تلاش‌های زنان در این زمینه، در مورد دادن حق شرکت در انتخابات به زنان تغییری ایجاد نشد. در قانون جدید انتخابات نیز حقوق سیاسی و انتخاباتی زنان نادیده گرفته شد (اسناد و دیدگاه‌ها، ۱۳۶۰: ۲۷۷).

در روزهای پایانی دولت دکتر مصدق و هنگامی که وی انحلال مجلس هفدهم را به همه‌پرسی گذاشت، سازمان زنان آخرین تلاش‌های خود را برای شرکت زنان در این نظرخواهی انجام داد. به‌زودی با رخ دادن کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، این سازمان و همه سازمان‌های دموکراتیک دیگر مورد پیگرد پلیس رژیم شاه قرار گرفتند. با از میان رفتن امکان فعالیت سازمان به‌صورت آشکار و با توجه به محدودیت‌های سیاسی که برای فعالیت احزاب و جریان‌های سیاسی در کشور پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به‌وجود آمد، عمر این سازمان هم پایان یافت.

۷. ساختار تشکیلات دموکراتیک زنان حزب توده

سازمان داخلی تشکیلات زنان الگویی از سازمان حزب توده بود و مانند آن نیز حوزه‌هایی تشکیل داده بود. برنامه‌هایی که در این حوزه‌ها اجرا می‌شد، همان برنامه حزب توده بود و تنها تجزیه و تحلیل برنامه‌های تشکیلات زنان به آن افزوده می‌شد. البته دلیل این کار، ناآگاهی و بی‌تجربگی زنان در عرصه سیاست و کارهای اجتماعی دانسته شده است. از این‌رو، تشکیلات زنان معتقد بود که زن نباید از سیاست دور باشد، زیرا سیاست جدا از زندگی روزمره نیست و زنان باید برای گرفتن حق خود در این زمینه فعالیت کنند. تشکیلات زنان مانند حزب، ماهانه حق عضویت اندکی می‌گرفت. دلیل این کار را ضعف بنیه مالی تشکیلات دانسته‌اند (فیروز، ۱۳۶۰: ۴۹). به هر حال این موضوع نقطه ضعفی برای تشکیلات به‌شمار می‌آمد؛ چراکه به اعتقاد گردانندگان آن، سازمان‌های وسیع توده‌ای نباید حق عضویت بگیرند و قیدوبندی برای عضو شدن به‌وجود آورند. تشکیلات زنان حزب توده به‌منظور گسترش فعالیت‌های خود در دهه ۱۳۲۰ در استان‌ها و شهرستان‌ها تشکیلاتی - البته نه به گستردگی تهران - به‌وجود آورد. در این میان مناطقی چون مازندران، رشت، قزوین، اصفهان، فارس و آبادان به موازات گستردگی فعالیت‌های حزب توده، از بسترهای مناسب‌تری برای دایر کردن شعبه‌هایی از تشکیلات دموکراتیک زنان وابسته به حزب برخوردار بود.

فعالیت زنان توده‌ای، در شهرهای شمالی به‌علت شرایط جغرافیایی و به‌ویژه نزدیکی با شوروی سوسیالیستی و اینکه از مدت‌ها پیش از مراکز فعالیت کمونیست‌های ایرانی بوده، با موفقیت بیشتری روبه‌رو شد. برای نمونه در گیلان به‌دلیل اینکه جمیله صدیقی یکی از زنان وابسته به گروه دکتر ارانی در آنجا فعالیت داشت (حزب توده از...، ۱۳۸۷: ۷۵۹)، از رونق بیشتری برخوردار بود و گاه نمایندگان از تهران برای سخنرانی به رشت فرستاده می‌شد و یا در مازندران «اتحادیه زنان زحمتکش» وجود داشت که در نشست‌های عمومی و با حضور زهرا اسکندری به تشکیلات دموکراتیک زنان پیوست (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۲۴). استان فارس نیز یکی از مناطق پرجنب‌وجوش سیاسی دهه ۱۳۲۰ و از مراکز فعال حزب توده بود که پس از پایتخت مهم‌ترین کانون فعالیت انشعابی‌ها به‌شمار می‌آمد. مهم‌ترین تشکیلات سیاسی منطقه در این دوره «جمعیت آزادگان فارس» بود که در ۱۳۲۲ شکل گرفت. در این زمان حزبی نیز به نام «حزب زنان» که در عمل وابسته به حزب توده بود، در فارس ایجاد شد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۵: ۸۷).

۸. فعالیت‌های مطبوعاتی تشکیلات دموکراتیک زنان

این بخش با این پرسش که «میزان تأثیرگذاری مطبوعات تشکیلات زنان حزب توده بر جامعه زنان ایرانی چگونه بوده است؟» آغاز می‌شود تا میزان پیشرفت و کامیابی این تشکیلات در پیگیری اهدافش مشخص‌تر شود. ورود مطبوعات، به‌عنوان نمایندگان افکار عمومی به فضای سیاسی و اجتماعی کشور پس از شهریور ۱۳۲۰، با حجمی وسیع و بهره‌مندی آن از آزادی‌های موجود در بیان دیدگاه‌های خود، به این دوره ویژگی خاصی بخشید. حزب توده به‌عنوان مؤثرترین نیروی فکری و سیاسی این دوره توانست با بهره‌گیری از فضای کشور، بخش شایان توجهی از مطبوعات کشور را در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰ زیر پوشش فکری و ایدئولوژیک خود قرار دهد و از این مسیر بر محیط روشنفکری و سیاسی ایران آن دوره تأثیر جدی بگذارد. تشکیلات زنان نیز در جایگاه یک سازمان وابسته به حزب توده در این عرصه فعالیت خود را آغاز کرد.

تشکیلات زنان پس از روشن شدن برنامه‌اش در پی گرفتن امتیاز یک نشریه برآمد. گرفتن امتیاز از وزارت فرهنگ مستلزم داشتن تحصیلات لیسانس و همچنین پشتوانه مالی قوی بود. زهرا اسکندری با داشتن لیسانس ادبیات تنها زنی بود که موفق به گرفتن امتیاز ماهنامه *بیداری* ما شد. وی افزون‌بر اینکه عضو هیأت اجرایی تشکیلات زنان بود، عضویت جبهه آزادی را نیز داشت و به همین سبب *بیداری ما* عضو جبهه آزادی به‌شمار می‌رفت (بیران، ۱۳۸۱: ۱۰۴). این تشکیلات، آن‌گونه که اعضای آن ابراز می‌دارند، عضویت زنان را محدود به بینش فکری و

سیاسی زنان نمی‌کرد، بلکه محور مبارزه و فعالیتش را در جهت تساوی حقوق زنان با مردان قرار داده بود (احمدی، ۱۳۸۳: ۶۶).

این نشریه با صراحت لهجه، اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی ایران، چه در حوزه عملکردهای حکومتی و فساد دستگاه‌های اداری و چه در حوزه عملکردهای حکومت در جهت سیاست‌های نامناسب در مورد زنان را به تصویر می‌کشید. مقاله‌های این مجله در موضوع‌های ادبی، علمی، اجتماعی و سیاسی بودند. *بیداری ما* به‌شدت از شاهان پهلوی انتقاد می‌کرد و قانون تصویب‌شده در دوره رضاشاه به‌ویژه قانون مدنی و کیفری را به‌عنوان ظلم به زنان رد می‌کرد (Paidar, 1995: 124). این نشریه افزون‌بر تأکید بر آموزش زنان به‌عنوان یکی از ملزومات ضروری بیداری زنان در جهت پیشرفت و ترقی آنان (بیداری ما، مهر ۱۳۲۳: ۴) بر زمینه‌های دیگری از حقوق زنان مانند اشتغال، تساوی حقوق زن و مرد، دادن حق طلاق به زن (بیداری ما، شهریور ۱۳۲۳: ۷-۱) و استقلال مالی (بیداری ما، آبان ۱۳۲۳: ۱) آنان اشاره داشت.

هیأت تحریریه این مجله را زنانی تشکیل می‌دادند که بیشتر از اعضای کمیته مرکزی تشکیلات زنان حزب توده بودند و در شماره‌های مختلف به بیان دیدگاه‌ها و مرامنامه این حزب می‌پرداختند. جنبه‌های زن‌باوری این مجله و دفاع از حقوق سیاسی و اجتماعی زنان، در سال‌های نخست فعالیت آن بیشتر است، ولی همزمان با مطرح شدن مسائلی مانند درخواست امتیاز نفت شمال از سوی اتحاد شوروی و به‌ویژه سر برآوردن حکومت خودمختار آذربایجان، این مجله نیز رنگ و بوی سیاسی گرفت و با انتشار مقاله‌هایی همسو با اهداف حزب توده، به حمایت از این جریان‌ها برخاست که البته توفیق چندانی در این زمینه به‌دست نیاورد. بدین ترتیب آمیختگی این مجله با سیاست‌های حزب توده، حمایت آشکار از سیاست‌های اتحاد شوروی و وابستگی گردانندگان آن به حزب توده، همچنین نبود نفوذ کلام آنها در میان جامعه زنان ایران با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و مذهبی از عوامل مؤثر این ناکامی بود. البته بی‌سوادگی گسترده زنان که به قول گردانندگان این نشریه بیش از ۹۹ درصد زنان را در برمی‌گرفت، مهم‌ترین عامل ناکامی نشریه *بیداری ما* و تشکیلات دموکراتیک زنان بوده است (بیداری ما، خرداد ۱۳۲۷: ۴-۵).

فروغ آزادی دیگر نشریه‌ای بود که تشکیلات زنان پس از بهمن ۱۳۲۷ و در دوران مخفی بودن خود برای نشر آن اقدام کرد. در واقع نخستین نشریه علنی بود که از سوی یک سازمان مخفی منتشر می‌شد. پس از توقیف این نشریه، نشریه *جهان تابان* در ۱۳۲۹ منتشر شد و پس از توقیف آن *جهان فردا* منتشر شد. جالب است که نشریه اخیر نامی ساختگی بود و صاحب‌امتیازی نداشت (فیروز، ۱۳۶۰: ۵۹). آنچه به‌عنوان نارسایی در این نشریه‌ها به چشم می‌خورد، چنانکه گردانندگان آن خود نیز اعتراف دارند، چپ‌روی است. این نشریه‌ها در

بسیاری از موارد زندگی قشر وسیعی از زنان را بازتاب نمی‌دادند و خیلی بیشتر از آنچه درخور نیازهای آن روز جامعه باشند، به مسائل سیاسی و بین‌المللی می‌پرداختند (فیروز، ۱۳۶۰: ۶۰). مسائلی که بیشتر مسائل جامعه ایران و زنان این جامعه نبود و بیشتر برآمده از سیاست‌های جهانی شوروی و ایدئولوژی حاکم بر آن بود و ارتباطی با خواسته‌ها و واقعیت‌های جامعه زنان ایرانی نداشت.

آخرین و یکی از مهم‌ترین نشریه‌های حزب توده‌ای زنان که در این دوره به چاپ رسید، جهان زنان ارگان رسمی «سازمان زنان ایران» بود که در آذر ۱۳۲۹ با صاحب‌امتیازی نجم‌الحاجیه هوشمندراد منتشر شد. این نشریه با اختصاص ستونی با عنوان «مادران ایران حقوق خود را بشناسید» سعی در تشویق زنان برای احیای حقوق خود داشت. در زمینه سیاسی، همزمان با انتشار لایحه انتخاباتی دکتر مصدق که همچنان زنان را از حق رأی محروم می‌کرد، کم‌وبیش همه صفحه‌هایش را به اعتراض به این طرح اختصاص داد. پس از انشعاب در حزب توده، حزب نیروی سوم (انشعابیون حزب توده به رهبری خلیل ملکی) در مدت عمر کوتاه خود موفق به تشکیل سازمان «نهضت زنان پیشرو» شد و سلسله انتشاراتی را با عنوان «مطبوعات پیشرو» پدید آورد (ملکی، ۱۳۶۸: ۹۷) که هرچند رویکرد چپ داشت، ولی از نظر جهت‌گیری فکری-اجتماعی با تشکیلات زنان حزب توده متفاوت بود.

۹. کارکرد تشکیلات دموکراتیک زنان

طرح شعارهای برابری‌طلبانه، برابری حقوق زن و مرد و آزادی و رهایی زنان از زنجیرهای اسارت، از شعارهای مهم احزاب چپ‌گرا به‌ویژه حزب توده و تشکیلات دموکراتیک زنان بود. در واقع هدف اساسی از طرح این افکار و اندیشه‌ها جذب شاکله و بدنه اجتماعی جامعه ایران و زنان آن به‌عنوان نیمی از نیروی اجتماعی جامعه بود. شایان یادآوری است که نبود جنبش مستقل حقوق زنان از عوامل مهم گرایش زنان به جنبش چپ و دیگر گروه‌های مخالف سیاسی بود (Moghisi, 1991: 205).

تأسیس تشکیلات زنان حزب توده، فعالیت‌ها، فراز و فرود این تشکیلات و همکاری با سازمان‌ها و جریان‌های همسو و ایجاد شعبه‌هایی از این تشکیلات در شهرستان‌ها و تأسیس نشریه‌های متعدد تحت این سازمان و تشکیلات، برگزاری جلسه‌ها و کنگره‌های داخلی و شرکت و ارتباط با مجامع خارجی و اقدام‌های مشابه آن، همه در جهت اهداف یادشده صورت گرفت. اگرچه با وجود تلاش‌های بسیار و حمایت‌های فکری و ایدئولوژیک حزب توده و تشکیلات زنان این حزب، جز در موارد اندک توفیق چندانی در نفوذ و ترویج افکار و

اندیشه‌های مارکسیستی، کمونیستی و سوسیالیستی در جامعه زنان ایران ایجاد نشد و فعالیت‌های سازمان و تشکیلات یادشده با ناکامی در میان جامعه زنان ایران روبه‌رو شد. محمدرضا قدوه از اعضای کمیته مرکزی حزب توده در گزارشی در ۱۳۴۰ فعالیت زنان توده‌ای را این‌گونه نقد و ارزیابی می‌کند: الف) تشکیلات زنان نتوانسته در توده میلیونی زنان نفوذ کند، ب) رهبری تشکیلات زنان انتخابی نبوده و با دخالت حزب توده، رهبری انتخاب می‌شد، ج) رهبری تشکیلات زنان، حزب توده را الگوی خود قرار داده است و کارهای خود را از حزب تقلید می‌کرد، د) در کارهای سیاسی، تعلیماتی، تبلیغاتی الگوی تشکیلات زنان، حزب توده بوده است (اسناد احزاب سیاسی ایران، ۱۳۸۴: ۶۵).

با اینکه تشکیلات دموکراتیک زنان و سازمان زنان ایران پرشورترین و فعال‌ترین گروه‌های مدافع حقوق زنان در ایران بودند، میزان این تأثیرگذاری اندک را می‌توان از سیاستگذاری حکومتی در این دوره بازشناخت. برای نمونه در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ که نخستین برنامه عمرانی اجرا می‌شد، در نظام آموزشی کشور تأکید خاصی بر حضور زنان نشده بود، بی‌سوادی در کشور به‌ویژه در روستاها عمومیت داشت و میزان بی‌سوادی زنان همچنان به‌مراتب بیشتر از مردان بود (تقی‌نیا، ۱۳۸۲: ۵۰). این وضعیت تا ابتدای دهه ۱۳۴۰ ادامه یافت. حتی در دوره دولت دکتر مصدق و شاید به‌دلیل مسائل و مشکلات بسیار وی، فرصتی برای انجام اصلاحات اساسی و افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی صورت نگرفت. تنها در ۱۳۴۱ بود که تحول رسمی و قانونی در وضعیت زنان ایرانی با به‌دست آوردن حق رأی و نیز انتخاب شدن در مجلس شورای ملی و مجلس سنا پدید آمد.

۱۰. نتیجه

یکی از اقدام‌های مهم حزب توده و اندیشه‌های برآمده از آن، تلاش برای نفوذ در ساختار اجتماعی جامعه ایران و گسترش فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی و فرهنگی خود در بدنه اقشار و طبقات مختلف جامعه ایران بود. از این‌رو، در پی نفوذ در میان جامعه زنان برآمد. تلاش برای استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی این توده بزرگ از جامعه ایران و قدرت اجتماعی آنان و نگرش جنسیتی به مرزهای اجتماعی و تلاش برای تقویت بدنه اجتماعی حزب توده تنها در قالب تأسیس یک سازمان سیاسی با نگرش زنانه مقدور بود. بنابراین برپایی و تأسیس یک تشکیلات و سازمان از سوی حزب توده راهی برای به‌دست آوردن نفوذ و قدرت اجتماعی در نیمی از جامعه ایران به‌شمار می‌آمد.

همان‌طور که نشان داده شد، سازمان و تشکیلات دموکراتیک زنان از شاخه‌های معروف و پرهیاهوی حزب توده است که با فعالیت‌های پردامنه خویش، در میان جنبش‌های اجتماعی

زنان به‌عنوان یک تشکل سیاسی-اجتماعی مطرح شد. این تشکیلات زنانه بر بستر رخداد‌های دهه ۱۳۲۰ تا آغاز دهه ۱۳۳۰ فعالیت کرد؛ اگرچه با وجود تشکیلات و سازماندهی و پشتیبانی حزب توده پس از یک دهه فعالیت، همانند پدرخوانده خویش در مسیر افول قرار گرفت. حزب توده به‌عنوان برجسته‌ترین حزب سیاسی این دوره، یک سازمان سیاسی با ایدئولوژی مارکسیستی و کمونیستی و بیگانه از واقعیت‌های جامعه ایران بود. با توجه به نفوذ تعیین‌کننده رهبران شوروی، این حزب نماینده یک جریان فکری و سیاسی اصیل نبود که مولود نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی باشد. از این‌رو، با ساختارهای فکری-فرهنگی جامعه در تضاد قرار گرفت. به همین سبب نتوانست اعتماد و حمایت توده‌ها را جلب کند. وابستگی «تشکیلات دموکراتیک زنان» و «سازمان زنان ایران» به حزب توده، آنها را در فراز و نشیب‌های حزب درگیر ساخت، و به نوبه خود به تشکیلات آنان آسیب رساند. در پیش گرفتن خط فکری حزب توده در نتیجه برانگیختن مخالفت گروه‌های سنتی و مذهبی جامعه و نیز بی‌سوادی گسترده زنان از یک سو و حاکم شدن دوباره اختناق سیاسی و از میان رفتن امکان مبارزه‌های سیاسی-اجتماعی از سوی دیگر، این سازمان‌ها را در پیگیری اهداف خود ناکام ساخت.

واقعیت این است که جامعه زنان ایرانی جز شمار اندکی که بیشتر به‌دلیل وابستگی‌های خانوادگی به جریان‌های چپ پیوسته بودند، از گرایش به این ایدئولوژی دور بودند. این افراد که خود نیز در شمار روشنفکران بودند، تحت تأثیر اندیشه‌هایی برون‌زایی بودند که از قفقاز، اروپا و ترکیه برخاسته و سپس با پیروزی انقلاب بلشویکی در روسیه وارد جامعه ایرانی شده بود. هواداران این اندیشه‌ها به‌دلیل نداشتن شناخت دقیق از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند، به طرح مباحثی پرداختند که در اصل با واقعیت‌های جامعه ایرانی و به‌ویژه گروه‌های اجتماعی زنان آن بیگانه بود. همین بیگانگی عامل اصلی ناکامی جریان‌های چپ‌گرا در مورد زنان و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آنان بود. هرچند نمی‌توان تأثیرگذاری این جریان‌ها را در میان بخش‌هایی از زنان جامعه ایرانی انکار کرد، ولی اقدام‌های آنها موفقیت پایدار و مقرون به نتیجه‌ای را در برندااشت. با گذشت سال‌ها از این تحركات و فعالیت‌ها، اثر چندانی از تداوم و حضور جدی این اندیشه‌ها که به یک گفتمان اجتماعی و سیاسی تبدیل شده باشد و بتوان از آن با عنوان جنبش اجتماعی یاد کرد، برجای نگذاشت.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. «۶۵مین سالگرد تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و فرازهایی از تاریخ پر افتخار آن»، (۱۳۸۶) *صدای مردم ایران*. در: www.sedayemardom.net (۲۷ آبان ۱۳۸۸).
۲. آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷) *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران. تهران: مرکز.
۳. آفاری، ژانت. (۱۳۷۷) *انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطیت*، ترجمه جواد یوسفیان. تهران: بانو.
۴. ابراهیم‌زاده، راضیه. (۱۳۸۱) *خاطرات یک زن توده‌ای*، به کوشش و ویرایش بهرام چوبینه. تهران: دادار.
۵. ایوب، پاملا؛ کلر والاس. (۱۳۹۳) *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم‌عراقی. تهران: نی.
۶. ا. ک. (بی‌تا) «جنبش مترقی زنان ایران»، *ارتش عظیم زنان به میدان می‌آید* (مجموعه مقالات). بی‌جا: بی‌نا.
۷. احمدی، حمید. (۱۳۷۷) *خاطرات بزرگ علوی*. تهران: دنیای کتاب.
۸. احمدی، حمید. (۱۳۸۳) *ما هم در این خانه حقی داریم (خاطرات نجمی علوی)*. تهران: اختران، ج ۲.
۹. احمدی خراسانی، نوشین؛ پروین اردلان. (۱۳۸۲) *سناتور (فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران)*. تهران: توسعه.
۱۰. اسکندری، زهرا. (۱۳۲۷، خرداد) «تاریخچه مختصری از مجله بیداری ما»، *بیداری ما*.
۱۱. اسکندری، ایرج. (۱۳۷۲) *خاطرات ایرج اسکندری*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۱۲. *اسناد احزاب سیاسی ایران (حزب توده ایران)*. (۱۳۸۴) به کوشش بهروز طیرانی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. *اسناد و دیدگاه‌ها (حزب توده ایران، از آغاز تا انقلاب ۵۷)*. (۱۳۶۰). بی‌جا: انتشارات حزب توده ایران.
۱۴. امیرخسروی، بابک. (۱۳۷۵) *نظر از درون به نقش حزب توده ایران (نقدی بر خاطرات نورالدین کیانوری)*. تهران: اطلاعات.
۱۵. امیرخسروی، بابک. (۱۳۸۱) *مهاجرت سوسیالیستی و سرنوشت ایرانیان*. تهران: پیام امروز.
۱۶. انگلس، فردریش. (۱۳۵۷) *منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت*، ترجمه مسعود احمدزاده. بی‌جا: بی‌نا.
۱۷. بامداد، بدرالملوک. (۱۳۴۷) *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*. تهران: ابن‌سینا.
۱۸. ببران، صدیقه. (۱۳۸۱) *نشریات ویژه زنان (سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر)*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۱۹. بهروز، مازیار. (۱۳۸۰) *شورشیان آرمانخواه (ناکامی چپ در ایران)*، ترجمه مهدی پرتوی. تهران: ققنوس.
۲۰. *بیداری ما (نشریه تشکیلات زنان ایران حزب توده)*. (۱۳۲۳، مرداد) ۱، ۲: ۴-۶.
۲۱. *بیداری ما*. (۱۳۲۳، شهریور) ۱، ۳: ۱-۷.
۲۲. *بیداری ما*. (۱۳۲۳، مهر) ۱، ۴: ۴.
۲۳. *بیداری ما*. (۱۳۲۳، آبان) ۱، ۵: ۱.
۲۴. *بیداری ما*. (۱۳۲۷، خرداد) ۴: ۴-۵.
۲۵. *بیداری ما*. (۱۳۲۷، تیر) ۵: ۱۲-۳.
۲۶. بهنود، مسعود. (۱۳۷۴) *این سه زن (شرف پهلوی، مریم فیروز، ایران تیمورتاش)*. تهران: نشر علم.
۲۷. تقی‌نیا، طلعت. (۱۳۸۲) «نگاهی به آموزش و پرورش زنان در ایران»، *فصل‌زنان*، به کوشش نوشین احمدی خراسانی و فیروزه مهاجر. تهران: توسعه، ج ۳.

۲۸. جهان زنان. (۱۳۳۱، مرداد) ۳۸: ۲.
۲۹. خامه‌ای، انور. (۱۳۷۲) *خاطرات سیاسی*. تهران: گفتار.
۳۰. حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی (۱۳۶۸-۱۳۲۰). (۱۳۸۷)، به کوشش جمعی از پژوهشگران. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۳۱. زاهد، سعید؛ بیژن خواجه نوری. (۱۳۸۴) *جنبش زنان در ایران*. شیراز: ملک سلیمان.
۳۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۲۴) *سند شماره ۷۶۰ ف ۲ آ د ۱ / ۱۱ ۳۱۰۰۰۵۹۰ / ۱۹/۹/۱۳۲۴*.
۳۳. ساناساریان، الیز. (۱۳۸۴) *جنبش حقوق زنان در ایران*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی. تهران: اختران.
۳۴. طبری، احسان. (۱۳۷۳) *کترراهه: خاطراتی از حزب توده*. تهران: امیرکبیر، ج ۴.
۳۵. طلوعی، محمود. (۱۳۷۰) *پیوستن و گسستن*. تهران: انتشارات تهران.
۳۶. فوران، جان. (۱۳۷۷) *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۱۷۹ شمسی تا انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین. تهران: رسا.
۳۷. فیروز، مریم. (۱۳۶۰) *تاریخچه تشکیلات دموکراتیک زنان ایران*. تهران: جهان کتاب.
۳۸. فیروز، مریم. (۱۳۷۳) *خاطرات مریم فیروز (فرمانفرمایان)*. تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه و اطلاعات.
۳۹. کشاورز، فریدون. (۱۳۸۰) *خاطرات سیاسی (به کوشش علی دهباشی)*. تهران: آبی، ج ۲.
۴۰. کولایی، الهه. (۱۳۸۷) *استالین‌گرایی و حزب توده ایران*. تهران: میزان.
۴۱. کیانوری، نورالدین. (۱۳۷۲) *خاطرات نورالدین کیانوری*. تهران: دیدگاه، ج ۲.
۴۲. مارکس، کارل؛ فردریش انگلس. (۱۳۸۵) *مانیفست حزب کمونیست*، ترجمه محمد پورهرمزبان. بی‌جا: حزب توده ایران.
۴۳. محمدی، ملکه. (بی‌تا) «زن و سوسیالیسم از دیدگاه لنین»، در ا. ک. (بی‌تا) *ارتش عظیم زنان به میدان می‌آید*. بی‌جا: بی‌نا.
۴۴. مدیرشانه‌چی، محسن. (۱۳۷۵) *احزاب سیاسی ایرانی (با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌ها)*. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۴۵. ملکی، خلیل. (۱۳۶۸) *خاطرات سیاسی*. تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۲.
۴۶. وطن‌دوست، غلامرضا. (۱۳۸۵) *بررسی موقعیت زن ایرانی در نشریات مشروطه*. تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

(ب) انگلیسی

47. Bayat-Philipp, Mangol. (1978) "Women and Revolution in Iran, 1905-1911," in Lois Beck and Nikki Keddie, eds. *Women in the Muslim World*. Cambridge, MA and London: Harvard University Press, pp. 295-308, <DOI:10.4159/harvard.9780674733091.c17>.
48. Bebel, August. (1904) *Women under Socialism*, trans. Daniel Deleon. New York: New York Labors News Company.
49. Hoodfar, Homa. (1999, Winter) "The Women's Movement in Iran: Women at the Crossroads of Secularization and Islamization," in *Women Living under Muslim Laws*, Series No 1, University of Michigan. Available at: <https://www.wluml.org/wp-content/uploads/2022/01/women-movement-iran-eeng.pdf> (Accessed 1 January 2022).

50. Moghisi, Haideh. (1991, Fall-Winter) "Women Modernization and Revolution in Iran," *Review of Radical Political Economics* 23, 3-4, <DOI:10.1177/048661349102300312>.
51. Paidar, Parvin. (1995) *Women and the Political Process in Twentieth-Century Iran*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
52. Sedghi, Hamideh. (2007) *Women and Politics in Iran*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.





Research Paper

Women's Democratic Organization of the Tudeh Party of Iran, 1941-1953: Its Formation, Structure, and Function

Elaheh Koolae^{1*}, Fatemeh Beyranvand²

¹ Professor, Department of Regional Studies, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

² PhD in Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Received: 21 September 2020, Accepted: 30 January 2023
© University of Tehran

Abstract

The occurrence of the Russian Revolution of 1917 influenced the growth of political groups with leftist tendencies, and had an impact on a small segment of Iranian women in the society. In the framework of Marxist school, the inferior position of women in the contemporary societies is attributed to the unfair historical process of the formation of exploitation and exploitative relationships. Since Marx and Engels considered politics and political power to be dependent on the economic infrastructure, they naturally considered the reason for women's lack of political participation to be her economic dependency as well as her being oppressed and exploited in the family and society at large. Although they did not pay sufficient attention to the issue of women's political participation, other Marxist leading figures such as Rosa Luxemburg, Clara Zetkin, and Lenin defended the equal rights of men and women in a way which led to the formation of the schools of Marxist and socialist feminism. These thinkers believed that the most important step for women's liberation is the abolition of private property and the elimination of exploitative classes, because the way for their liberation would be paved by these actions first and foremost. Based on this belief, Marxism presented a materialistic analysis and a scientific perspective for women's freedom, which was considered to be the responsibility of governments and Marxist parties all over the world, including the Tudeh Party of Iran and its affiliated Women's Democratic Organization (WDO).

Before the formation of Tudeh Party (the so-called the Party of the Iranian Masses), it was only the Communist Party of Iran that defended the political and social rights of women within the framework of its ideology. Accordingly, this party took measures to promote socialist tendency among women's rights activists and their organizations by presenting plans and

* Corresponding Author Email: ekolae@ut.ac.ir

programs to transform the living conditions of Iranian women, which were temporarily interrupted as a result of the establishment of Reza Shah's dictatorship. Despite some achievements in social and legal fields aimed at extending modern western-style social rights to women in Iran, Reza Shah's regime created obstacles for their political rights and prevented them from engaging in non-governmental political activities. The changed Post-September 1941 political environment resulted from the vacuum created by the ending of the first Pahlavi Shah's rule followed by the coming into power of his inexperienced young heir as well as the continued intervention of the great powers in Iranian internal affairs facilitated the formation of new political organizations with different political, religious, ethnic outlook. Some groups and organization had communist and socialist inclinations and programs. Among these organizations was the *Women's Democratic Organization* — affiliated with the communist Tudeh party of Iran— and created at the same time as other similar organizations with the objective of defending women's rights.

The Two questions posed in this study are as follows: 1. What were the main objectives of the *Women's Democratic Organization* (WDO) affiliated with the communist Tudeh Party of Iran? and 2. How successful was this organization in achieving its objectives? In the hypothesis, it is postulated that the formation of women's democratic organization was largely influenced by Tudeh party's attempt to penetrate the social structure of Iran and using the capacities of women's society in order to achieve its political goals. Therefore, by addressing political issues instead of general women's issues and problems, and especially neglecting and confronting the religious and customary traditions of the society, women's organization were prevented from achieving a sustainable success. Focusing on a descriptive-analytical approach, the authors analyze qualitative data on the characteristics and function of this organization collected from historical documents, memoirs, books, and articles written by the WDO's founders, supporters, critics, and various experts. The findings of the research, while clarifying the political participation of a notable segment of the society of Iranian women in the given period of time, indicate that the ideological leftist line of the Tudeh party was adopted by the Women's Democratic Organization, and consequently provoked the opposition of the traditional and religious groups in the society. Moreover, the establishment of authoritarianism in the country lead to the failure of this organization to achieve its ultimate objectives.

Keywords: Iran, Left-wing Movement, Pahlavi Dynasty, Political Activities, Tudeh Party, Women

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0001-9655-0995>

References

- “65^{omin} sālgard tashkilāt-e democrātic Zanān-e Irān va faraz’hā’i az tārikh-e por etekhār-e ān (The 65th Anniversary of the Iranian Women's Democratic Organization and Parts of its Proud History). (2007) *Sedā-ye Mardom-e Irān (Voice of Iranian People)*. Available at: <https://www.sedayemardom.net> (Accessed 18 November 2009).
- Abbott, Pamela; and Claire Wallace. (2014) *Jāme ‘eh’shenāsi-ye zanān (Sociology of Women)*, trans. Manizheh Najm Eraghi. Tehran: Ney. [in Persian]
- Afari, Jeanette. (1998) *Anjoman’hā-ye nimeh seri-ye zanān dar nehzat-e mashrotiat (Women's Semi-Secret Associations in the Constitutional Movement)*, trans. Javad Yousefian. Tehran: Bano. [in Persian]
- Ahmadi, Hamid. (1998) *Khāterāt-e bozorg-e alavi (Bozorg Alavi's memoirs)*. Tehran: Donyay-e ketab. [in Persian]
- . (2004) *Mā ham dar in khāneh haghī dārim (khāterāt-e najmi alavi) (We also have a Right in this House (Memoirs of Najmi Alavi))*. Tehran: Akhtaran. [in Persian]
- Ahmadi Khorasani, Noushin; and Parvin Ardalan. (2003) *Senator (Mehrangiz Manouchehrian's Activities on the Basis of Women's Legal Struggles in Iran)*. Tehran: Tose’. [in Persian]
- Amir Khosravi, Babak. (1996) *Nazar az daroon bae naghsh-e hezb-e tudeh: naghdi bar khāterāt-e Nuruddin Kiānuri's (An Insider's View of the Role of Iran's Tudeh Party: Critique of Nuruddin Kianuri's memoirs)*. Tehran: Etellaāt. [in Persian]
- . (2002) *Mohājerat-e sociolisti va sarnevesht-e Irāniān (Socialist Immigration and the Fate of Iranians)*. Tehran: Payam emroz. [in Persian]
- Artesh azim zanān be meydān miād (A Huge Army of Women is Coming to the Battleground). (n.d.) *majmo’-e maghālāt-e jonbesh-e hoghooghi-e zanān-e Irān (dar rāh-e ehrāz hoghoogh-e ejtemā’i-e khod)*. (n.p.) [in Persian]
- Asnād-e ahzāb-e siyāsī-e Irān (hezb-e tudeh Iran) (Documents of Political Parties of Iran (Tudeh Party of Iran))*. (2005), ed. Behroz Tayaranī. Tehran: Sāzemān-e asnād va ketābkhāneh melli (The National Library and Archives of Iran). [in Persian]
- Asnād va didgāh’hā (hezb-e Tudeh-ye Irān az āghāz tā enghelāb 57) (Documents and Views (Tudeh Party of Iran, from the Beginning to the 1979 Revolution))*. (1981), (n.p.): Enteshārāt-e hezb-e Tudeh (Tudeh Party Publications). [in Persian]
- Babran, Sedighe. (2002) *Nashriyāt Vizhe Zanān (sayr-e tārikhi-e nashriyāt zanān dar Irān-e mo’āser)*, (Special Publications for Women, The

- Historical Course of Women's Publications in Contemporary*). Tehran: Enteshārāt-e roshangarān va motāleāt-e zanān. [in Persian]
- Bamdad, Badrolmoolook. (1968) *Zan-e Irāni az enghelāb-e mashrotiyāt tā enghelāb-e sefeid (Iranian Woman from the Constitutional Revolution to the White Revolution)*. Tehran: Ibn-e sina. [in Persian]
- Bayat-Philipp, Mangol. (1978) "Women and Revolution in Iran, 1905-1911," in Lois Beck and Nikki Keddie, eds. *Women in the Muslim World*. Cambridge, MA and London: Harvard University Press, pp. 295-308, <DOI:10.4159/harvard.9780674733091.c17>.
- Bebel, August. (1904) *Women under Socialism*, trans. Daniel DeLeon. New York: New York Labors News Company.
- Behnood, Masoud. (1995) *In ce zan (Ashraf Pahlavi, Maryam Firouz, Iran Teymourdash, These Three Women)*. Tehran: Elm. [in Persian]
- Behroz, Maziya. (2001) *Shoreshiān-e ārman'khāh (nā'kāmi-ye chap dar Irān (Idealist Rebels, Failure of Left in Irān))*, trans. Mahdi Partovi. Tehran: ghoghnos. [in Persian]
- Bidāri-ye mā (Our Awakening: Publication of the Women's Organization of the Tudeh Party of Iran)*. (1944, August) 1, 2: 6-4. [in Persian]
- . (1944, September) 1, 2: 4-5. [in Persian]
- . (1944, October) 1, 4: 4. [in Persian]
- . (1944, November) 1, 5: 1. [in Persian]
- . (1948, June) 4: 4-5. [in Persian]
- . (1948, July) 5: 3-12. [in Persian]
- Ebrahimzadeh, Marziyeh. (2002) *khāterāt-e yek zan-e tudeh 'i (Memoirs of a Tudeh Woman)*, ed. Bahram Choobine. Tehran: dādar. [in Persian]
- Engels, Friedrich. (1979) *Mansha-e khānevādeh, mālekiyat-e khosoosi va dowlat (The Origin of the Family, Private Property and the State)*, trans. Masoud Ahmadzade. (n.p.) [in Persian]
- Eskandari, Iraj. (1993) *Khāterāt-e iraj eskandari (Memoirs of Iraj Eskandari)*. Tehran, Institute of Political Studies and Research. [in Persian]
- Eskandari, Zahra. (1948, June) "Tārikhch-e mokhtasari az majaleh-ye *bidāri-ye mā* (A Brief History of Our Awakening Magazine)," *Bidāri-ye mā (Our Awakening)* 4. [in Persian]
- Firouz, Maryam. (1981) *Tārikhch-e Tashkilāt-e Democratic Zanān-e Irān (The History of Democratic Organizations of Iranian Women)*. Tehran: Jahān-e ketāb. [in Persian]
- . (1994) *Khāterāt-e Maryam Firouz, (Memoirs of Maryam Firouz)*. Tehran: Didgāh Research and Publishing Institute and Etellāāt. [in Persian]
- Foran, John. (1998) *Moghāvemāt-e shekanandeh: tārikh tahavolāt-e ejtemā 'i Irān az sāl-e 1500 tā enghelāb-e eslāmi (Fragile Resistance: Social Transformation in Iran From 1500 to the Revolution)*, trans. Ahmad Tadayon. Tehran: Rasa Cultural Services Institute. [in Persian]
- Hezb-e todeh az shekl'giri tā foro'pāshi (Tudeh Party from Formation to Collapse, 1941-1989)*. (2008), eds. Selected Researchers. Tehran: Institute of Political Studies and Research. [in Persian]

- Hoodfar, Homa. (1999, Winter) "The Women's Movement in Iran: Women at the Crossroads of Secularization and Islamization," in *Women Living under Muslim Laws*, Series No 1, University of Michigan. Available at: <https://www.wluml.org/wp-content/uploads/2022/01/women-movement-iran-eeng.pdf> (Accessed 1 January 2022).
- Jahān-e Zanān (The World of Women)*. (1952, August) 38, 2. [in Persian]
- Keshavarz, Fereydon. (2001) *Khāterāt-e siyāsi (Political Memoirs)*. Tehran: Nash Abhi, 2nd ed. [in Persian]
- Khamei, Anvar. (1993) *Khāterāt-e siyāsi (Political Memoirs)*. Tehran: Goftār. [in Persian]
- Kianouri, Nouredin. (1993) *Khāterāt-e Nouredin Kiānouri (Memoirs of Nouredin Kianouri)*. Tehran: Didgāh. [in Persian]
- Kolae, Elahe. (2008) *Estālingerāi va Hezbe Tudeh Irān (Stalinism and Tudeh Party of Iran)*. Tehran: Mizān. [in Persian]
- Maleki, Khalil. (1989) *Khāterāt-e siyāsi (Political Memoirs)*. Tehran: Sherkāt-e sahāmi enteshār. [in Persian]
- Maghsoudi, Mojtaba. (2001) *Tahavolāt-e siyāsi ejtemā'i Irān 1320-1357 (Political-Social Developments in Iran, 1941-1979)*. Tehran: Rozaneh. [in Persian]
- Marx, Karl; and Friedrich Engels. (2006) *Manifest-e hezbe communist (Manifesto of the Communist Party)*, trans. Mohammad Pourhormzan. (n.p.): Hezbe Tudeh Iran. [in Persian]
- Modir Shanechi, Mohsen. (1996) *Ahzāb-e siyāsi Irān (ba mottāleh-ye moredi niro-ye sevom va jāme'eh-ye socialist'hā (Iranian Political Parties) with a Case Study of the Third Force and the Socialist Society)*. Tehran: Rasā. [in Persian]
- Moghisi, Haideh. (1991, Fall-Winter) "Women Modernization and Revolution in Iran," *Review of Radical Political Economics* 23, 3-4, <DOI:10.1177/048661349102300312>.
- Mohammadi, Malake. (n.d.) "Woman and Socialism from Lenin's Point of View," *Artesh azim-e zanān be meydān miād (A Huge Army of Women is Coming to the Battleground)*. (n.p.) [in Persian]
- Paidar, Parvin. (1995) *Women and the Political Process in Twentieth-Century Iran*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Sanasarian, Eliz. (2005) *Jonbesh-e hoghoogh-e Zanān dar Irān (Women's Rights Movement in Iran)*, trans. Nooshin Ahmadi Khorasani. Tehran: Akhgar. [in Persian]
- Sāzemān-e asnād va ketābkhāneh-ye melli Irān (The National Library and Archives of Iran)*. (1945, December 10) Document No. 760 F2a1/310000590. [in Persian]
- Sedghi, Hamideh. (2007) *Women and Politics in Iran*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Tabari, Ehsan. (1994) *Kaj'rāhe: khāterāt-i az hezb-e tudeh (A memoirs of the Tudeh)*. Tehran: Amir Kabir, 4th ed. [in Persian]
- Taqhi Niya, Tala't. (2003) "Negāhi be amozesh va parvaresh-e zanān dar Irān (A Look at Women's Education in Iran)," *Fasl-e zanān (Women's Season)*, ed. Nooshin Ahmadi Khorasani-Firouzeh Mohajer. Tehran: Tose'. [in Persian]

- Toloui, Mahmoud. (1991) *Payvastan va gosastan (Connecting and Disconnecting)*. Tehran: Tehran Publications. [in Persian]
- Vatan Doost, Gholamreza. (2006) *Bares-yei mogheiat-e zan-e Irāni dar nashriyāt-e mashrote (Investigating the Position of Iranian Women in the Constitutional Publications)*. Tehran: Research and Development Institute of Human Science Publications. [in Persian]
- Zahed, Said; and Bijan Khajeh Nouri. (2005) *Jonbesh-e zanān dar Irān (Women's Movement in Iran)*. Shiraz: Malek Suleiman. [in Persian]



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.

